

در روز پنجشنبه ۳۰ اردیبهشت، در همایش بین المللی هنر نبوی (۴) که به میزبانی دانشگاه هنر اصفهان برگزار شد. نشست تخصصی پیرامون انسان شناسی هنر با حضور دکتر بلوکباشی، دکتر فکوهی و خانم دکتر مختاریان صورت گرفت.

بخش دوم

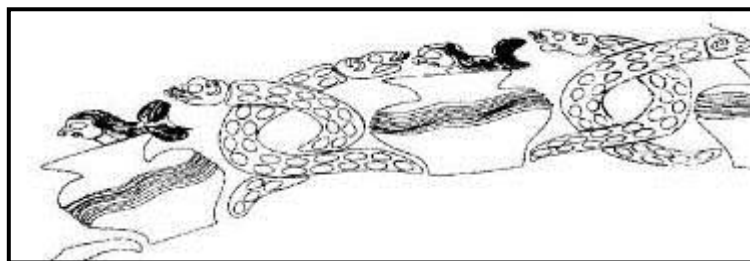
خانم دکتر مختاریان ریاست دانشکده هنر و ادیان دانشگاه هنر اصفهان و مدیر صفحه اسطوره شناسی در «انسان شناسی و فرهنگ» نیز در بحث خود پیرامون "ایکونولوژی نقش مایه ای از جیرفت" به ایراد سخنرانی پرداخت و در ابتدای بیانات خود به تعریف واژه شناسانه ی لغت ایکونولوژی اشاره کرد و چنین گفت: « در فرهنگهای لغت تعریف Iconography به مطالعه ی سنتی تصاویر یا نمادها گفته می شود و Iconology نیز به معنی مطالعه ی Iconها یا نمادهای هنری است. همین سبب شده است که معنایی مشابه از هر دو حاصل شود. معنای اولیه ی Iconography مطالعه ی Iconها یا تابلوهای تصویری مسیح و مقدسان است که هنوز هم در متون دینی معاصر باقی مانده است. اما از قرن هفدهم به این سو، Iconography در بافت های غیر دینی نیز به معنای مجموعه ای از تصاویر به کار رفته است. در تاریخ هنر معاصر این اصطلاح برای توصیف و رده بندی تصاویر به کار می رود که ناشی از تاثیر Erwin Panofsky (۱۸۹۲-۱۹۶۸) است که برای نخستین بار میان این دو اصطلاح تمایز قائل است. در واقع بر اساس نظر او منظور از Iconology تفسیر تصاویر است.

سپس در خصوص دیدگاه پانوفسکی در این زمینه گفت: « به نظر پانوفسکی ارزش های "نمادین" ممکن است، در واقع، به شدت با قصد آگاهانه هنرمند متفاوت باشند. دو سطح نخستین معنا، یعنی در دو سطح طبیعی و ایکونوگرافیکال، پدیداری بودند، درحالی که در سومین سطح، معنای درونی، فراتر از حوزه اراده آگاهانه است. »

لذا سخنران به این نکته تأکید نمود که مختصر بررسی نقش مایه ها و نمادها در آثار هنری بدون تفسیر یا ایکونولوژی آنها ممکن نمی گردد.

دکتر مختاریان عضو هیأت علمی دانشگاه هنر اصفهان، در ادامه ی سخنرانی خود در رابطه با نقش مایه های باقی مانده از قرون متمادی تاریخی چنین اظهار داشت: « نقش مایه ها با آن که همواره عناصر زیستگاه انسانی (یعنی اشیاء یا موجودات زنده) را باز نمی نمایند، اما تقریباً بر اکثر بناها، سنگ گورها، ظروف، تکه های پوشاک، دیوارهای صخره ها و سنگ ها دیده می شوند. رد پای آن ها را از دوران های پیش تاریخی تا امروز می توان دنبال کرد. این نگاره ها که اغلب به مثابه ی تزئین محض به نظر می آیند و تداوم و تکرار چشمگیری را طی هزاران سال نشان می دهند، در واقع نمادهایی هستند که زمانی معنای خاصی را انتقال می داده اند. به این ترتیب، یک تصویر بیان ترسیمی اندیشه هایی خاص است که با نقش مایه های ساده و یا نمادینی که به معنای مشترکی مرتبط بودند، پیام یا داستانی را منتقل می کردند. برای ذهن امروزی ما رسیدن به این پیام تنها با به کار گرفتن روش تطبیقی از تمامی عناصری است که ما را به ساختار فکری این جوامع نزدیک سازد. یکی از مهمترین ابزار رسیدن به این گونه پیام ها یافتن اسطوره هایی است که بتوانند با چنین نقش مایه هایی در ارتباط قرار گیرند. اسطوره ها نه تنها نمادین اند، بلکه توضیح نمادها و رمزها نیز هستند. آنها از طریق نمادها بیانگر مفاهیمی مشترکی هستند که یک فرهنگ به نمایش می گذارد.»

مختاریان با اشاره به آثار باقی مانده از تمدن تاریخی جیرفت آنها را سرشار از نشانه های فرهنگی، اجتماعی و دینی اقوامی دانست که در ایران ساکن بودند به همین جهت به بررسی بعضی از نقش مایه های این تمدن پنج هزار ساله پرداخت: « یکی از نقوشی که از ظروف تمدن جیرفت به دست آمده است، تصویری کوزه ای است به همراه دو مار در هم تنیده و پرنده ای کوچک بر لب کوزه و نیز سرزنی که از درون کوزه نمایش داده شده است. هدف اصلی این گفتار توجه به موضوع کوزه و سرزنی است که از آن بیرون آمده است.



## کوزه نماد زنانگی

یکی از رایج ترین نگاره ها، تصویر ایزدبانوی بزرگ است که در اسطوره ها و هنر باستان به صورت گسترده ای بازتاب یافته است. ردپای باور به او را می توان از دوران دیرینه سنگی پی گرفت. او ایزدبانوی آسمان، رطوبت آسمانی، بخشندهی باران و باروری، زمین و گیاهان (درخت زندگی) بود. و از همین روی همزمان منشاء حیات و مرگ، سلامت و بیماری، باروری و قحطی هم به شمار میرفت.»

مختاریان با استناد به نظرات **Baring, A., Cashford, J** در خصوص نقش نمایه کوزه و آب گفت:

«کوزه ای که برای آب یا شیر به کار می رفت، نمود خود ایزدبانو بود. نشانه ای از این باور را می توان در مصر یافت که ایزدبانوی آسمان، نوت (Nut)، در خط هیروگلیف به صورت کوزه نشان داده می شد و در میان رودان مجسمه ی ایزدبانو با کوزه ی زندگی در دستش که در اصل نماد خود او بود، بازنمایی می شد. بسیاری از کوزه ها با سینه ی برآمده ساخته شده بودند و با خطوط موج و زیگ زاگی تزیین می شدند که نشانه ی آب و جریان آن بود و نماد مادر آسمان بود که باران چون شیر از پستان هایش جاری بود.»

وی همچنین به دیدگاه **Gimbutas** اشاره نمود و ادامه داد: «گلدان یا کوزه همچنین تصویر زهدان ایزدبانو بود که از آن آب های زندگی بخش جریان می یابند.»

دکتر مختاریان در رابطه با نگرش دکتر عسگری این چنین بیان داشت: «دکتر عسگری بازمانده ی این باور را در گویش های ایرانی برای نخستین بار نشان داده است. او در پژوهش خود نشان می دهد که دسته ای از واژگان گویشی که شامل کوزه، گردی، نان، خوشه ی گندم و رنگ سیاه است همه از لحاظ آوایی به طور شگفت انگیزی صورت kal/kol/kel/kul را نشان می دهند که به نوعی با کارکردهای ایزدبانو مرتبط اند. برخی از این واژگان گویشی هم به معنی کوزه و گلدان و هم گندم اند. در گویش سرخه ای واژه ی **Kuzzey kali** قابل توجه است که در آیین باران خواهی از آن استفاده می شود. بر اساس تطبیق داده ها عسگری خاستگاه این واژگان را به ایزدبانوی کالی می رساند که نزد هند و اروپاییان ایزدبانوی بزرگ بوده است و هنوز هم در هند پرستیده می شود.

سخنران به نقل از **Golan** به معنای واژه ی «کالا» (**kala**) در گرجستان می پردازد هم به زن دلالت دارد و هم به ظرف آب و در ادامه می گوید: «چنین کوششی در نشان دادن اهمیت واژگان گویشی در اسطوره شناسی و انسان شناسی تازه و نو است. بر این اساس می توان نشان داد که در فرهنگ ایرانی گرچه صورت منسجمی از اسطوره ها در دست نیست، اما خود واژگان گویشی به عنوان یکی از مهمترین منابع فرهنگ عامه در بررسی تطبیقی می توانند در تجزیه و تحلیل اسطوره ها مورد استفاده قرار گیرند. این موضوع را من نخستین بار در قالب مقاله ای پیرامون داستان ماه پیشانی که در نامه ی فرهنگستان شماره ۳۸ چاپ شد نیز مطرح کردم. افتادن مادر قهرمان داستان، ماه پیشانی، در خمره و بیرون آمدن گاوی زردرنگ از آن، بازمانده ی همین بن مایه ی تصور کردن ایزدبانو به شکل کوزه/خمره است که قدمت بسیار دارد. ماه پیشانی دختری است که مادر خود را، به فریب شخصیت شریر داستان، در خمره ای می اندازد، از درون این خمره گاوی زرد رنگ بیرون می آید که حامی این دختر و برابر با مادر اوست.»

## نقش دو مار:

خانم دکتر مختاریان بنابر دیدگاه **Lurker** به بررسی نقش دو مار پرداخت که در بسیاری از آثار به جا مانده از آن دوران وجود دارد و اینگونه بیان داشت: «بر روی این گلدن از یک سو نقش سر ایزدبانو بر بالای کوزه دیده می شود و از سوی دیگر دو مار در هم تنیده که درست نقطه ی توجه را جز کوزه به سمت خود می کشانند. نقش دو مار یکی از نقش مایه های مکرر در آثار جیرفت است و می تواند معانی مختلفی داشته باشد. در بسیاری از باورهای کهن ایزدبانو نماد آسمان است که در بسیاری جایها به صورت پرنده نیز تصویر می شود و مار نماد زمین است. " در باور بسیاری از فرهنگ های کهن پرنده و مار هم بسیار نزدیک اند و ناشنکر جدایی آسمان و زمین اند، به عبارتی دو قطب متضاد. پرنده آسمان، نور و جایگاه بغان را می نمایاند و مار آب، زمین، ظلمت و نیروهای زیر زمین را. البته باید خاطر نشان کرد که چون بسیاری از نمادهای جانوری در آنها چند معنایی و دو ارزشی نیز وجود دارد. در برخی از نمونه ها مار جنبه ی مثبت از خود نشان می دهد»

**وی در ادامه افزود:** «مارها نماد زمین و پرندگان نماد آسمانند. این شکل ها ایده اصلی دین کشاورزان اولیه را بازنمایی می کنند، به عبارتی پیوند میان ایزدبانوی آسمان و خدای زمین. به مرور زمان مار که در دوران نوسنگی به خصوص مورد ستایش جوامع کشاورزی بود، خدایی دشمن را نمایندگی کرد و در نگرش های نوسنگی متاخرتر، پرنده که نماد ایزدبانوی آسمانی بود در ارتباط با خورشید که به مقام ایزدی رسیده بود، قرار گرفت.



او در خصوص بهترین تعبیر پیرامون دو مار موجود در این بافت نشانه ی آب و باران بودن آنها معرفی کرد و به گفته های **Baring &Cashford** ارجاع نمود : «مارها دور ظرف می پیچند ، به عبارتی به دور ایزدبانو، در حالی که در امتداد کوزها پیچ و تاب می خورند، مانند آب بارانی که از بالا فرو می ریزد و آب های زمینی

جاری به هم می‌رسند. در واقع ماریچج ها، زیگزاگ ها و نظایر آن جنبه های مختلف نیروی ایزدبانو را به نمایش می‌گذارند. با ترکیب این عوامل با هم نخستین الفبای متافیزیک شکل می‌گیرد که به وسیله ی آن مجموعه ایی از معانی منتقل می‌شوند.»

**همچنین به نقل از Golan افزود:** «دو ماریچج نقش رایجی است که در بسیاری از بافت ها نماد آب و موج جاری دانسته شده اند. چنین تزیینی در هزارهٔ دوم پیش از میلاد در مدیترانهٔ غربی، در بخشی از آسیای غربی که مجاور قزاقستان جنوبی بود، بسیار معمول بود.»

**در نهایت دکتر مختاریان سخن خود را با این نتیجه گیری به اتمام رساند:** « با شواهدی که در این گفتار در پیوند با یکی از تصاویر برجا مانده از تمدن جیرفت نشان دادیم، یکی از این نقش مایه ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم. بر این اساس باور به ایزدبانوی بزرگ را که فرهنگ ایرانی به طور پراکنده نگاه داشته است، از طریق نقش مایه ها، واژه های گویشی و اسطوره ها و افسانه ها به نمایش گذاشتیم. همانطور که در آغاز گفتار نیز اشاره شد، اسطوره ها محدود به منابع نوشتاری، از جمله اوستا، متون فارسی میانه و یا شاهنامه نیستند، بخش عمده ای از این باورها در فرهنگ عامه و نقش مایه ها موجودند و هر یک نیاز به بررسی و مطالعه ی جدی دارند. بررسی های میان رشته ای می‌توانند دریچه های تازه ای در شناخت و معرفی نوی از فرهنگ ما با خود به ارمغان بیاورند. اسطوره شناسی یکی از جدی ترین حوزه هایی است که در ایران هنوز به رویکردها و روش هایی علمی برای مطالعه ی آثار فرهنگی دست نیافته است. توجه ی هرچه بیشتر به این حوزه راهگشای بسیاری از پژوهش های علمی در آینده خواهد بود.»

پایان بخش دوم ادامه دارد